



دختران کارا

گفتیم با خودتان حرف بزنیم و از زبان خودتان بشنویم هنرستان چطور جایی است؟ چه فایده‌هایی دارد و چه محدودیت‌هایی؟ چقدر راضی‌تان می‌کند و چه اندازه کاستی دارد؟ رشته‌هایتان به چه کار می‌آیند و آیا پیشیمان نیستید از اینکه هنرستانی شدید؟ شما نمایندهٔ بچه‌های هنرستانی هستید. از آن‌ها برایمان بگویید.
ساعت ۱۰ صبح، تابستان ۹۹، استان البرز، هنرستان کار دانش دخترانهٔ علامه امینی، شش دختر هنرستانی، چهار رشتهٔ متفاوت.

ریحانه قاسم‌پور: رشتهٔ طراحی و دوخت، پایهٔ دوازدهم

– من اصلاً هنرستانی نبودم. سال دهم را در رشتهٔ انسانی درس خواندم، اما علاقه‌ای نداشتم. دختر دوست مادرم پیشنهاد داد بروم هنرستان. خودش هنرستانی بود؛ در همین رشتهٔ طراحی و دوخت. من هم تکرار پایه کردم و آمدم هنرستان. البته خیلی



سعی و هزینه کردم. خیاطی هم خیلی هزینه دارد.

وارد که شدم، دیدم خیلی به رشته‌ام علاقه دارم. هر چند، بعضی بچه‌های کلاس‌مان که بی‌انگیزه وارد این رشته شده بودند، باعث شدند کلاس فعالی نداشته باشیم.

– از هنرستان راضی‌ام، اما حتماً باید هنرآموزان خوبی داشته باشی. ما سال گذشته نتوانستیم عملی کار کنیم. متأسفانه خیاطی یاد نگرفته‌ام. دوخت نداشته‌ام و بیشتر طراحی و الگوسازی کردیم.

– امسال هم که کرونا کار ما را به هم ریخت. البته الگوسازی را آنلاین پی می‌گرفتیم. هر چند خیلی سخت شده بود و شب و روزمان را صرف الگوسازی می‌کردیم.

– هنر را کافی است یاد بگیری، بعدش می‌توانی درآمد داشته باشی، اما با درس خواندن تنها، کاری نمی‌توانی انجام بدهی!

– برای دانشگاه هنوز تصمیمی ندارم. هنوز نمی‌دانم ادامه بدهم یا نه! خوش‌بختانه، اگر بخواهم، می‌توانم همان رشتهٔ طراحی و دوخت را بدون کنکور بخوانم.

– کلاس‌های ما با ۲۰ نفر جمعیت تشکیل می‌شد و این تعداد برای کار عملی زیاد است.

آیلا قنبری: رشتهٔ معماری، پایهٔ یازدهم

– دوست داشتم عکاسی بخوانم، اما پدر و برادرم مدرک فنی ساختمان دارند و تشویق کردند من هم معماری بخوانم. مخالفت که نه، پدر و برادرم تشویق هم کردند. الانم خیلی راضی هستم، هر چند که ارزش و اهمیت کار عملی به این است که ببینی. اما در شرایط کرونایی و آنلاین شدن آموزش، کارمان خیلی سخت شد. در مدرسه فرصت نکردیم به سایت برویم. کار عملی کمی انجام دادیم.

– کتاب‌های ما خودآموزند و خوب هستند، اما باز هم حضوری باید نحوهٔ کار را ببینیم. کتاب‌ها هم باید آنلاین باشند که با تغییرات روز همراه شوند. برای مثال، در کتاب‌های ما حرفی از دیوار گچ آماده (گچ‌برگ) نیست، اما الان با این گچ‌ها کار می‌کنند. یک حرف دیگر هم این که امسال متوجه شدیم در درس‌های ما، با کتاب امتحان دادن خیلی خوب است. وقتی برای جواب سؤال کتاب را مرور می‌کنیم، آن نکته یادمان می‌ماند.

– اولین درآمد من سه سال پیش بود. خواهرم برایم مشتری پیدا کرد. موقع کارآموزی در آتلیه هم وردست یک عکاس کار کردم. یکی از آشناها کار معماری می‌کند. من به‌عنوان دستیارش، بعضی پلان‌ها را که بلدم برایش می‌کشم. برای یک دختر ۱۷ ساله کار خوبی است. اولین درآمد ۵۰۰ هزار تومان بود و از آن خیلی راضی هستم.

- کسی که در دبیرستان این همه درس خوانده، بعد از دیپلم، چه کار می‌تواند بکند. مجبور است برود دانشگاه. از طرف دیگر، این همه دانش آموز تجربی داشته‌ایم، چقدر دکتر تحویل جامعه داده‌ایم؟! اما در هنرستان، بعد از دهم، شما مهارت یاد گرفته‌ای و می‌توانی کار کنی.

- برایم خیلی مهم است که دانشگاه بروم. می‌توانم ادامه تحصیل بدهم. می‌توانم در رشته خودم معلم شوم. می‌توانم دانشگاه بروم. در کنکور رشته انسانی هم می‌خواهم شرکت کنم و دبیری بخوانم. البته در رشته خودمان بدون کنکور به راحتی می‌توانم به دانشگاه بروم. الان هم کارهایش را کرده‌ام و منتظر اعلام پذیرش دانشگاه هستم. دو سال در دوره کاردانی و دو سال هم دوره کارشناسی باید بخوانم.

- امسال به لطف کرونا ماکت‌سازی را نتوانستیم خیلی خوب دنبال کنیم. البته من هر چه را می‌خواستم یاد بگیرم، به دست آوردم. - بیشتر وقتم را کتاب می‌خوانم. کتاب رمان خیلی دوست دارم. همه به من کتاب کادو می‌دهند.

- بعضی مطالب کتاب‌های ما قدیمی هستند. به روز نیستند.

مژگان ایزدیار: رشته معرق چوب و چرم، پایه یازدهم

- من فقط رشته‌های هنری را می‌خواستم. در آزمون رغبت‌سنج هدایت تحصیلی، برایم کشاورزی انتخاب شد. ولی من هنر را خیلی دوست داشتم. این بود که آمدم این هنرستان و رشته معرق چوب و چرم را شروع کردم. خیلی از رشته‌ها راضی بودم. کارم هم خوب بود و به ضعیف‌ترها هم خیلی کمک می‌کردم.



- دانشگاه خیلی برایم مهم نیست. من از همین حالا کارهایم را می‌فروشم. سال گذشته کار هنری خودم را به مادر بزرگم هدیه داده بودم. دوستانش خوششان آمد و سفارش دادند. برایشان درست کردم و ۳۰۰ هزار تومان فروختم. اولین درآمد بود. بعد از آن همین‌طور چند کار فروخته‌ام؛ جادستمالی، زیرلیوانی و دیوارکوب.

- الان بابا به من پیشنهاد داده برایم پیج اینستا بزنند و کارهایم را عرضه کند.

فاطمه صادقی گرمارودی: رشته عکاسی دیجیتال، پایه یازدهم

- هنرستان خوب است، اما به شرط داشتن توان مالی و تأمین هزینه‌های اولیه. برای هنرجوی رشته عکاسی، داشتن دوربین ضروری است، اما دوربین خیلی گران است. ما هم کلاسی‌هایی داشتیم که چون نمی‌توانستند دوربین بخرند، تغییر رشته دادند. من دوربینم را دو سال پیش هشت میلیون تومان خریدم، الان خیلی بیشتر باید هزینه کرد.

- ما در مدرسه اتوکد را خیلی کم کار کردیم! من خودم با کتاب خواندم و یاد گرفتم. البته معلمان ما خیلی خوب هستند، اما برای مثال ما اصلاً سایت نرفتیم.

نیلوفر امیری: رشته معماری داخلی، پایه دوازدهم

- من با معدل بالای ۱۹ آمدم هنرستان کاردانش. در دید و بازدیدهایی که خود آموزش و پرورش ترتیب می‌دهد و دانش‌آموزان نهمی را برای آشنایی با هنرستان‌ها می‌برند، شرکت می‌کردم. هنرستان را خیلی پسندیدم. هم هنرستان و هم رشته‌ام را خیلی دوست دارم. در هنرستان، اگر هم موفق به کار خاصی نشوم، حداقل در مسیر تحصیلم خوشی کرده‌ام. همان چیزی بود که می‌خواستم. البته همه ناراضی بودند؛ می‌گفتند حداقل برو فنی و حرفه‌ای. اما من دکوراسیون و معماری داخلی را دوست داشتم و فقط کاردانش این رشته را داشت.

- خانوادهم اصلاً راضی نبودند و هنوز

هم نیستند. هرچند امروزی رفتار کردند و پسر انتخابم را هم دادند.

البته دایم‌ام هنوز هم می‌گوید به کسی نگویی کاردانش می‌خوانی! الان هم از من انتظار دارند یک آرشیتکت باشم! اما خب هنر دیر جواب می‌دهد!



با تشکر از:

شیرین مقصودی (مدیر هنرستان کار دانش دخترانه علامه امینی کرج)؛ فاطمه ریاحی (سرپرست بخش کامپیوتر و کارگاه هنرستان علامه امینی).



اصرار می کرد رشته های نظری بخوانم. - من که زودتر از دوستم وارد عکاسی شدم، تفاوت قیمت دوربین خودم را خیلی می بینم. قیمت دوربین باعث شده خانواده ها نتوانند بچه ها را به این رشته بفرستند. الان چند نفر از دوستان من هستند



که نمی توانند بیایند عکاسی! - من تا حالا از خیلی ها عکس گرفته ام، اما تعداد محدودی هستند که بابت آن پولی پرداخت کنند. مثلاً از دوستانی که سفارش داده اند، عکس پرتو گرفته ام و پول دریافت کرده ام. - خیلی ها به ما می گویند شما فقط به دکمه می زنی، کاری خاصی نمی کنی که پولی هم بگیری. این ما را اذیت می کند. - ما هنرآموزان خیلی خوبی داشتیم. خیلی با وجدان با ما کار کردند. - ما چه فرقی با رشته های فنی و حرفه ای داریم؟ می توانستیم کتاب های آن ها را هم بخوانیم تا راحت تر به دانشگاه راه پیدا کنیم! من برای کارم مدرک معتبر دانشگاهی می خواهم. - من خارج از هنرستان، کلاس فتوشاپ رفتم تا بیشتر یاد بگیرم. مدرک بین المللی هم می توانم بگیرم.

هزینه های رشته عکاسی خیلی زیاد است. هزینه های بعدی رشته مان هم خیلی زیاد است. می ترسم امسال اصلاً هنرجوی عکاسی نداشته باشیم. - در رشته ما بچه ها بیشتر دنبال کار هستند. اولین بار که از عکاسی درآمد داشتم، مشتری من آشنای خواهرم بود. دوستان ما را به هم معرفی می کنند و این طوری مشتری پیدا می کنیم. البته خیلی ها توقع دارند که ما رایگان عکس بگیریم.

- کتاب هایمان خیلی خوب یا بد نیستند. اما ما در رشته خودمان کتاب عکاسی نداریم. فکر می کنم چون کار دانشی هستیم، کتاب نداشته ایم. کتاب تاریخ ما هم به درد رشته عکاسی نمی خورد. دوست داشتیم کتاب های تخصصی بیشتری می داشتیم و بیشتر عکاسی می خواندیم.

- خیلی از دوستان ما نمی خواهند به دانشگاه بروند. مدرک خوب است، اما خیلی ها دنبال کار هستند. البته جامعه باید به هنرستانی های کار دانشی بیشتر اهمیت بدهد.

لیلا فرزانه: رشته عکاسی، پایه دوازدهم

- من با معدل ۱۹ آمدم عکاسی. خیلی دوست داشتم. مدیرمان